



دیدگاه های متفاوت در باره حادثه المناک دهمزنګ



نوشتۀ ضیا؛ (سیدنی- استرالیا)
آزاده ترین صدا، صدای عدالت خواهیست که از حنجره آزاده گان به طنین می آید. قوم آزاده هزاره در کنار سایر اقوام باهم برادر و باهم برابر در محدوده کشوری که امروز به نام افغانستان یاد می شود، زیست باهمی نموده ولیک از چند صد سال به این سو از اثر عوامل مختلف اما از سال ۱۸۸۰ میلادی یا آغاز امارت امیر عبدالرحمن خان بارکزی، صدا در گلوگاه شان به طور بی سابقه خفه شد.
سقوط رژیم سلطانی ظاهر شاه به ویژه کودتای ۷ ثور سال ۵۷ و تبعات آن تا رژیم اشرف غنی، تحولات بزرگ را در عرصه های زنده گی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ... قوم هزاره پدید آورد.

هرگاه روابط ذات البینی میان حکومتها با قوم هزاره و همچنان روابط میان سران تنظیم های جهادی و در مجموع تاثیرات احزاب سیاسی با آرایش قومیت نگری را در افغانستان پس از کودتای ۷ ثور تا امروز بر رسی نماییم، دیده می شود؛ حکومتها و همچنان احزاب (سیاسی قومی مذهبی) از نام هواداران شان بخصوص اقوام، به نفع خود شان استفاده کرده و از قوم، زبان، مذهب ... به حیث بهانه و ابزار کار گرفته اند. ولیک بیش از هر قوم دیگر در افغانستان، توده های وسیع مردمی هزاره با نظر داشت پشت سر گذاشتن مظلومیت های بیشتر و دور بودن و دور نگهداشته شدن از معارف مدنی، به یک انقلاب فرهنگی متوسل شدند که نسل جدید را به مکتب ها و دانشگاه ها فرستادند، همچنان تعدادی به اقتصاد، تجارت و پیشه های پُر درآمد توام با زحمت و تلاش دست زدند. نسل جدید، خود را با استعداد یافت و در عرصه های گوناگون زنده گی اجتماعی به موفقیت ها نایل شد. در همچو موقعیت که قشر جوان و خون گرم هزاره، نردبانهای پیروزی را با سرعت می پیماید، صندوقچه اسناد عبور لین برق 500 مگا وات از تاق فراموشی پایان می شود، جنبشی به میان می آید که داعیه شان عبور لین برق از راه بامیان باشد نه از راه سالنگ. سران و نظریه پردازان جنبش (جنبش روشنایی) دلایل و منطق شان را با هزاره ها به ویژه جوانان هزاره در میان می گذارند. با هر روزی که گذشت، با توسل به جلسه ها، گردهم آبی ها، استفاده از رسانه های حقیقی و مجازی وبالأخره تظاهرات خیابانی فریاد های حق طلبی را سر می کشند. باید گفت؛ با وجود آنکه این فریاد عدالتخواهی قومی با حضور هزاران تن در خیابانها در نوع خود در افغانستان بی سابقه است، اما همه اقوام شریف افغانستان، خاصه شهریان عزیز کابل در کنار برادران هزاره خود ایستاده شدند و آنها را تنها نگذاشتند. تا آنکه دولت حاضر شد، با نماینده گان جنبش روشنایی به مذاکره و مفاهمه بنشیند. دولت پذیرفت؛ 300 مگا وات برق که مقدار آن بالاتر از نیاز مناطق مرکزی (هزاره نشین) افغانستان است، به آنها بدهد و لیک جنبش روشنایی آنرا قبول نکرد. صدای تحلیلگران از رسانه ها چنین بالا شد: جنبش روشنایی برق می خواهد یا سوچ برق؟ این موضوع نزد

مردم افغانستان سوال بر انگیز شد و هر کدام جریان را از نظر خود به تعبیر گرفت. جنبش به اعتراضات خود ادامه داد، ضرب الاجل به دولت فرستاد که اگر خواست شان برآورده نشود، به تظاهرات وسیع و بر پای خیمه های تحصن دست می زنند. در فرجام تظاهرات به تاریخ دوم ماه اسد در خیابانها شکل گرفت، تا چار راه دهمزنگ رسید، آنگاه دشمن با بی رحمانه ترین صورت بیشتر از هشتاد انسان را به قتل رساند و بیشتر از ۳۰۰ انسان دیگر را زخمی و مجروح ساخت و صد ها خانواده را به ماتم و هزاران انسان را به اندوه نشانند. و لیک از همان لحظه های نخستین حادثه تا کنون از تحلیلگران سیاسی و اجتماعی تا صاحب نظران و مردم عادی، تحلیل ها و تفسیر هایی دارند که مختصراً به ان می پردازیم:

- جنبش روشنایی فریاد عدالتخواهیست که تا آخرین مرحله تحقق آن این مبارزه ادامه یابد.
- جنبش روشنایی یک جنبش خودجوش مردمیست که با سیاست کاری ندارد.
- در عقب جنبش روشنایی دست ایرانی هاست که اجیران خود را کمک میکند.
- مردم از رهبران سنتی مثل: خلیلی، محقق خسته شده اند، خواستند از نیروی جوانان استفاده کنند.
- پدram، بهزاد به خاطر برآورده ساختن اهداف سیاسی شان از قوم هزاره استفاده ایزاری کردند.
- در ابتدا خلیلی و محقق... خواستند خود را در مسیر جریان مردمی قرار دهند تا از کاروان پس نمانند، اما بعدا که متوجه شدند پای خود را بیرون کردند و یا آنکه دولت لقمه های چرب را در دهن آنها گذاشت.
- هزاره ها میخوانند راه صد ساله را یک شبه طی کنند.
- در هزاره ها یک نوع تک تازی های تند روانه قومی به ملاحظه می رسد که روز تا روز خود را از بدنه سایر اقوام ساکن در افغانستان جدا می سازند.
- هزاره های امروز، هزاره های دیروز نیستند. نسل بالنده و نسل جوان آن سخت کوشانه خود را با زیور دانش آراسته می سازند و فریاد عدالت را تا مرحله تحقق خاموش نمی کنند.
- مردم هزاره در دادخواهی سربریده شدن دختر ۹ ساله (تبسم) به وسیله طالبان شاهد آن بودند که هزاران تن از مردم افغانستان شامل اقوام، مناطق و مذاهب مختلف با آنها یکجا شدند، اما متاسفانه در حوادث بالمثل و یا دلخراشی که بالای سایر اقوام افغانستان به وقوع می پیوندد، حضور گرم و یا بالمثل هزاره ها کمتر مشاهده می شود.
- اگر جنبش روشنایی با اهداف کلان سیاسی به وجود نیامده باشد، سازماندهی همچو تظاهرات وسیع و هزینه های مالی آن نزد مردم سوال بر انگیز است.
- اگر دولت با اطلاعات امنیتی بی که در دسترس داشت، قهرأ جلو برگزاری تظاهرات را می گرفت، آنگاه جنبش روشنایی و هرکس دیگر برخلاف دولت ادعای کردند که دولت جلو صدای عدالتخواهی، آزادی بیان و دموکراسی و تطبیق قانون اساسی را می گیرد.
- رهبران جنبش روشنایی در سازماندهی این مظاهره از افراط و بزرگ نمایی کار گرفتند. آنها میدانستند که دشمن در کمین است و جلو خنثی سازی حوادث تروریستی برای قوت های امنیتی دشواری های فراوان دارد. چنانچه حوادث مشابه در فرانسه، جرمنی، بلجیم، ترکیه ... به مشاهده رسید. رهبران میتوانستند با هماهنگی کامل با دولت مظاهره را مسیر می دادند.
- هم دولت و هم رهبران جنبش روشنایی مسئول قتل به خون خفته گان است که لکه بدنامی آن از صفحه تاریخ زایل شدنی نیست.
- در سازماندهی عمل انتحاری دستهای اشرف غنی، اتمر و عبدالله دخیل است.
- همانطوریکه پشتون و تاجک هم برق دارد و هم سوچ برق، هزاره نیز حق دارد که هم برق داشته باشد و هم سوچ برق.
- در سرویی فابریکه برق است اما مردم آن برق ندارند.
- بسیاری از ولایات برق ندارند.
- پیش از آنکه در دهمزنگ انفجار صورت بگیرد، موتر های امنیتی ایستاده بودند. همینکه موتر ها از جای شان حرکت کرد، انفجار صورت گرفت. قابل تحقیق است.
- دولت خواست با این عمل جلو مظاهرات را بگیرد.

● طالبان دست داشتن به انفجار در دهمزنگ را نفی کردند. اما مسئولیت آن را داعش به عهده گرفت. این توطئه دیگریست که میخواهند طالبان را برائت بدهند. ولیک مردم میدانند که طالب و داعش دو روی یک سکه اند. طالب باداعش برای مردم افغانستان یکی اند.

* یکی از دلایل عقب مانی مردم هزاره، تاثیر موقعیت جغرافیایی آن است که مناطق مرکزی افغانستان در مسیر شاهراه ها، مراکز تجاری و یا صنعتی قرار نگرفته.....

* حادثه المناک دهمزنگ نه کار داعش است و نه کار طالب. این کار توسط جنایتکار های دولت افغانستان صورت گرفته که خواستند صدای ملت را خاموش بسازند.

طوریکه اختصاراً شماری از نظرات و دیدگاه ها را بر شمردیم و بی شمار نظریات دیگر نیز وجود دارد، مردم افغانستان بخصوص قشر جوان و تحصیلکرده هزاره به این توانایی دست یافته اند تا با دیدگاه بازتر اتفاقات نیک و زشت را در کشور تحلیل و بررسی نمایند و با خود آماده سازی در جریان حوادث قرار بگیرند.